

# دیکتاتور کیہ!؟



## به نام خداوند جان و خرد

کتاب "دیکتاتور کیه؟! " برداشتی است آزاد از کتابی که در دوران کودکی در باره ی دیکتاتورها خوانده بودم و مفاهیم آن همیشه در یاد من مانده بود .  
پس از بازنویسی این کتاب ، دوست جوان هنرمندم آروین هم برای آن تصویرسازی کرد و با کوشش همکار خوبم سید جلال الدین هاشمی به چاپ رسید .  
این کتاب را که در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران آماده چاپ گردیده بود به همه ی ملت بزرگوار ایران زمین پیشکش می کنم .

روزبه فراهانی پور

دهم بهمن ماه سال هفتاد و هشت خورشیدی



زندگی در حکومت دیکتاتوری مثل دیکته نوشته .  
یک نفر می که بقیه آنچه را او گفته بی کم و کاست  
عمل می کنند .  
و اگر کسی اشتباه کرد مجازات می شه .



دیکتاتور خودش

دیکته می کنه .

خودش دستورهای لازم را همه صادر می کنه

و مردم باید آن را انجام بدن .



دیکتاتور رییس همه است ،  
چون او صاحب همه چیزه .  
صاحب و مالک آزادی  
هم هست .

مردم

همه مخالف دیکتاتورن، ولی چند نفر  
پشتیبانش هستند .  
چون پشتیبانی از دیکتاتور به نفعشونه .

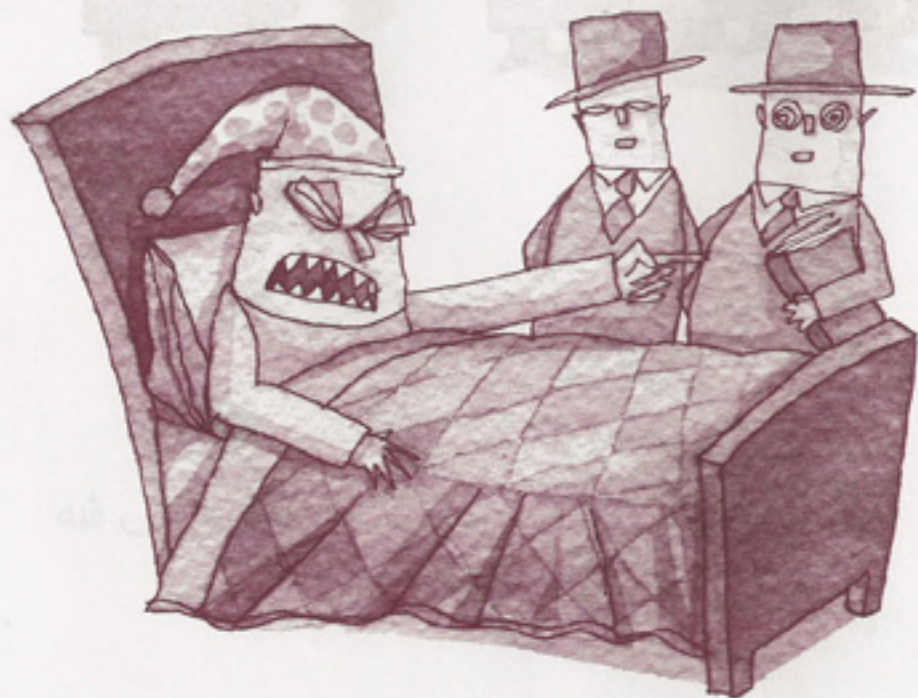


دیکتاتور هر روز صبح از یک دنده

بیدار می شه

و قانون در آن روز بستگی به اون دنده داره .

بیچاره پیشکار و منشی که صبح با او روبرو می شن .



عزت خود را حفظ کن

مهرت را

عزت خود را حفظ کن

عزت خود را حفظ کن



همه آزادند که از اون اطاعت کنن چون راه دیگری ندارن.



عنه ربه ربه له لېو مومنه يا ويه ۱۳۱ هـ  
خدا



وآنهایی که  
از او اطاعت نمی کنند و نمی توان آزاد باشن ،  
چون  
خودشون خواستن پس دیگر آزاد نمی موندن .

هر روز صبح از همه چیز با خبر می شه  
البته

فقط آنهایی راکه

دوست داشته باشه.

مطبوعات و روزنامه ها هم باید همه ی اخباری راکه

دیکتاتور دوست داره بنویسن

وگرنه تعطیل می شن.





دیکتاتور  
در تمام دوران حکومتش  
فقط دیکته می کنه .

فکر مردم را  
دیکته میکنه !  
آزادی را دیکته می کنه !  
به روزنامه ها هم دیکته می کند !  
حتا مجازات ها و بخشش ها را دیکته می کنه !

دیکتاتور عاشق افتتاح کردنه .



دوست داره همه چیز را افتتاح کنه .

مقا حاضره یک سد را چند بار افتتاح کنه .

چون او فقط می تواند افتتاح کنه .

اگرکف سد سورانج هم باشه

باز هم آن را افتتاح می کنه !!!

دیکتاتور به جز افتتاح کردن ،  
سمینار و کنفرانس برگزار کردن را  
هم دوست داره .



از هر نوعی که باشه  
فرقی نمی کنه .

دیکتاتور فقط باید سخنرانی کنه و تشویق بشه !  
چون مهم همینه !

او به طور تکراری سخنرانی و پیام می ده و با  
این کارها مردم را روز به  
روز خسته تر و ناامیدتر

می کنه و مردم وحشت زده تر می شن !

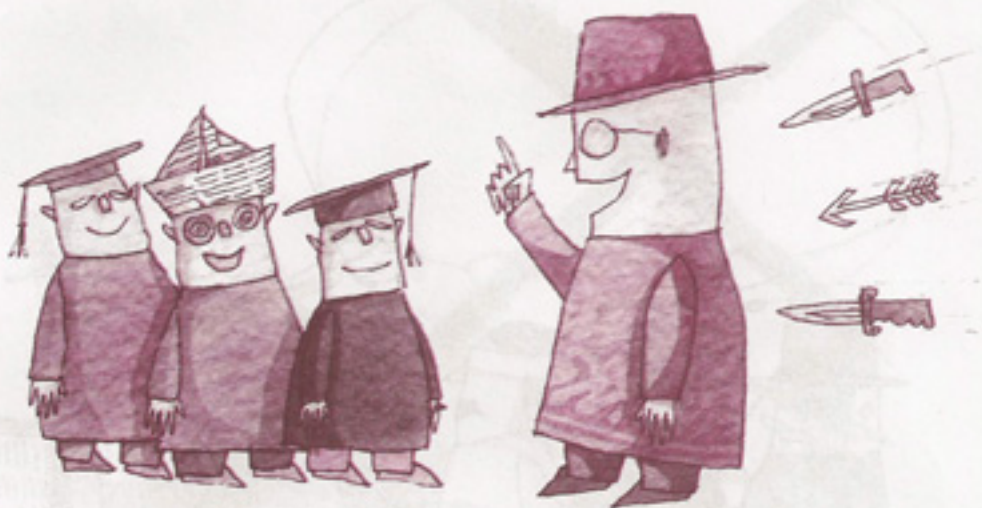


دیکتاتور فکر کردن را ممنوع می کنه ،  
البته او به مردم آزادی بیان  
می ده ولی آزادی

بعد از بیان را نه ؟!



البته فکر کردن مثل دیکتاتور  
 و بیان آن و پس از آن آزاده .  
 روزنامه های خود دیکتاتور هم نشانه این آزادی هستند  
 و مردم باید از دیکتاتور به خاطر این آزادی  
 سپاسگزار هم باشند .



اگر کسی یک جور دیگه فکر کنه ،  
از آزادی بیان استفاده کنه به خصوص  
اگر سعی کنه به دانشجویان و جوانان فکرش را بگه  
به او امیدی نیست .  
خدا پیامرزه .





مردمی که دیگه فسته شدن ،  
از کشورشون کوچ می کنن و  
از مام میهن دور می موندن

به امید بازگشت !

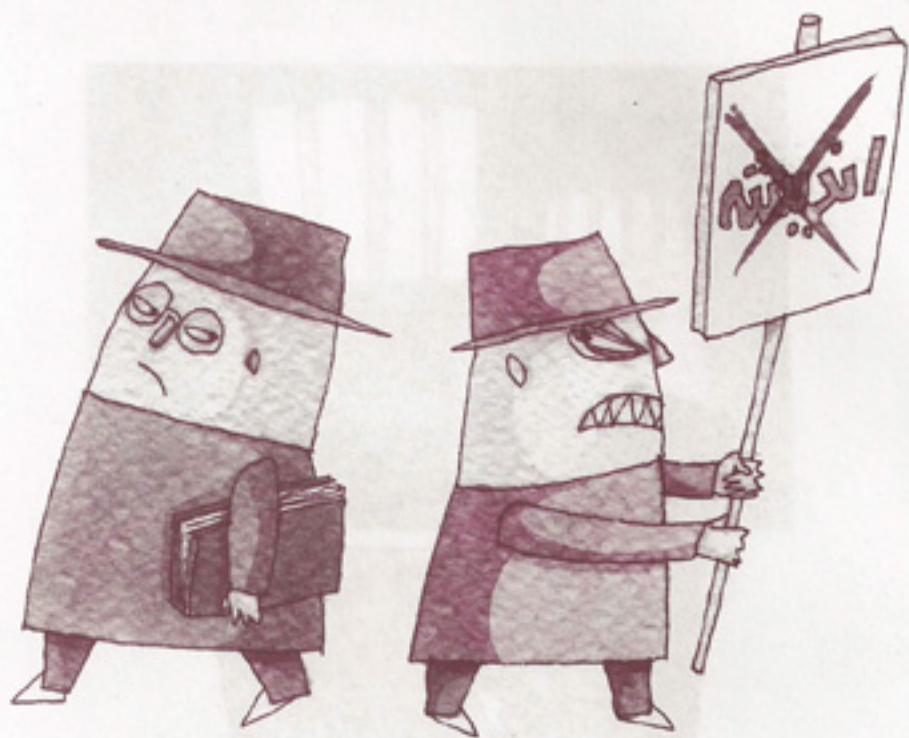
دیکتاتور می خواد شجاع ترین فرد ،  
آگاه ترین فرد ،

بهترین و کاملترین فرد باشه.

او فتا می خواد

از قوانین مستثنا باشه  
و بالای آن حرکت کنه.





دیکتاتور از مردم و افرادی که فکر میکنند

فوشش نمی‌یاد ،

البته

دل به دل راه داره .

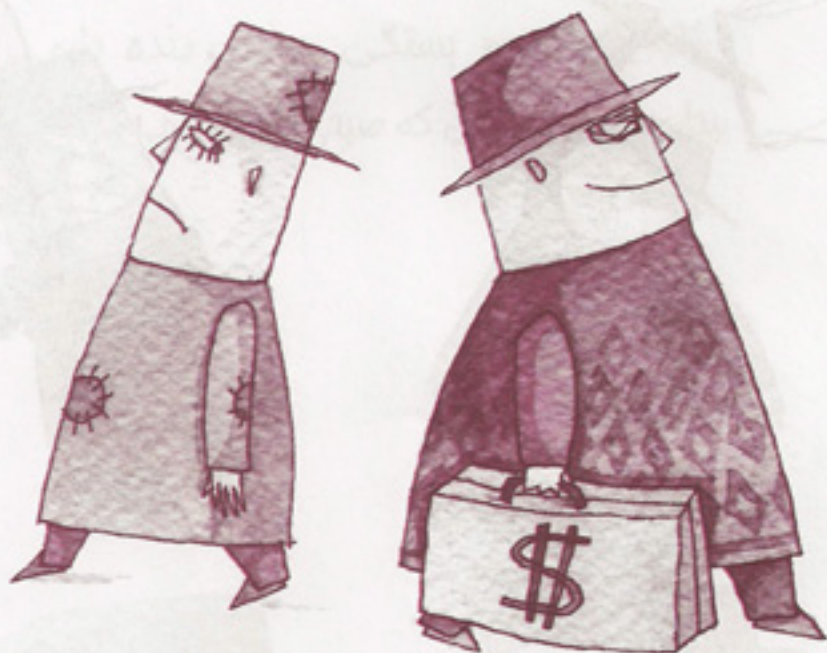
هر روز صبح از خانه پیر یا نذر می شه  
اینه

اما بعضی وقتها ،



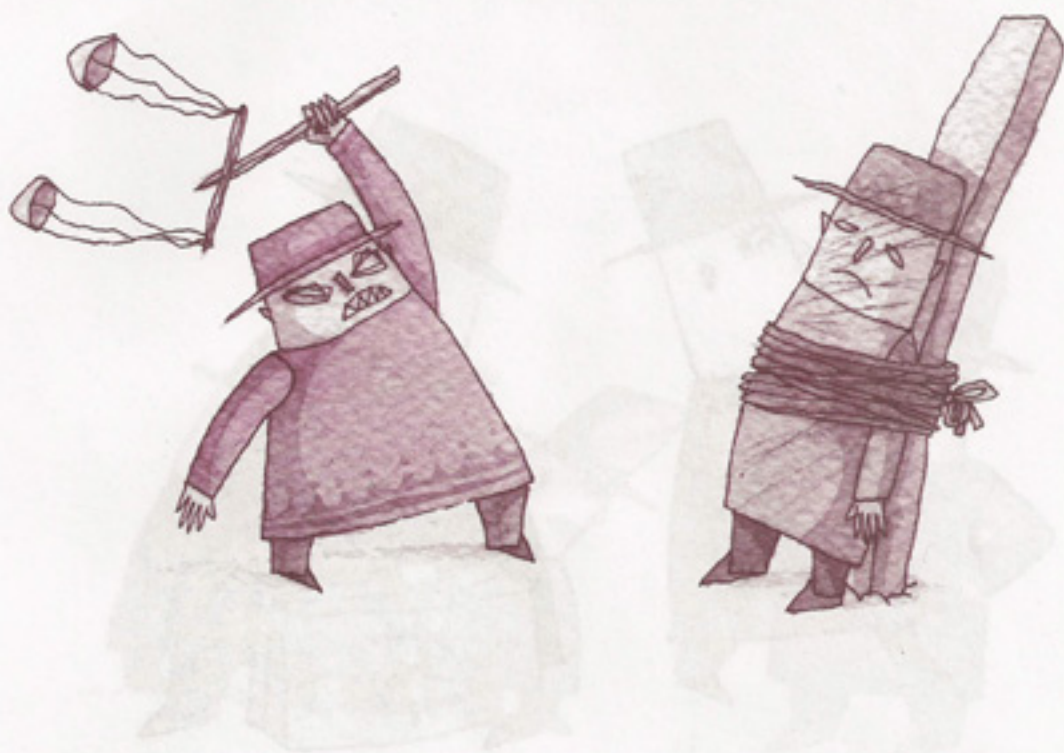
بعضی افراد هر طور هست به او نزدیک و  
نزدیکتر می شن چون سودشون در اینه .

البته او گاهی به اطرافیانش چیزهایی می بفشه



اما از اموال مردم  
یا بیت المال ،  
او غارتگر بیت المال هم است .  
در حکومت دیکتاتوری ثروت عادلانه تقسیم می شه  
پول برای پولدارها و فقر برای فقرا .

عشق و مهربانی از شکستها در صلابت ما ختم



دیکتاتور هم قانونه و هم عدالت.

او فتا به جای مردم

انتخاب می کنه چون فقط او می فهمه.

عشق و مهربانی از شکستها در صلابت ما ختم

از شکستها در صلابت ما ختم

و با این کار در تمام کشور  
" صلح و آرامش و امنیت " برقرار می شه .  
به این ترتیب چون همه می ترسن کسی  
پیزی نمی که و مخالفی  
هم پیدا نمی شه ولی اگر پیدا شد  
دوستان چماقدار هستنن .



دیکتاتور از فکر کردن به اموالش و مملکت

فوشش می یاد ولی

دلش می خواد به کشورهای دیگه هم فکر کنه .

او دوست داره بر

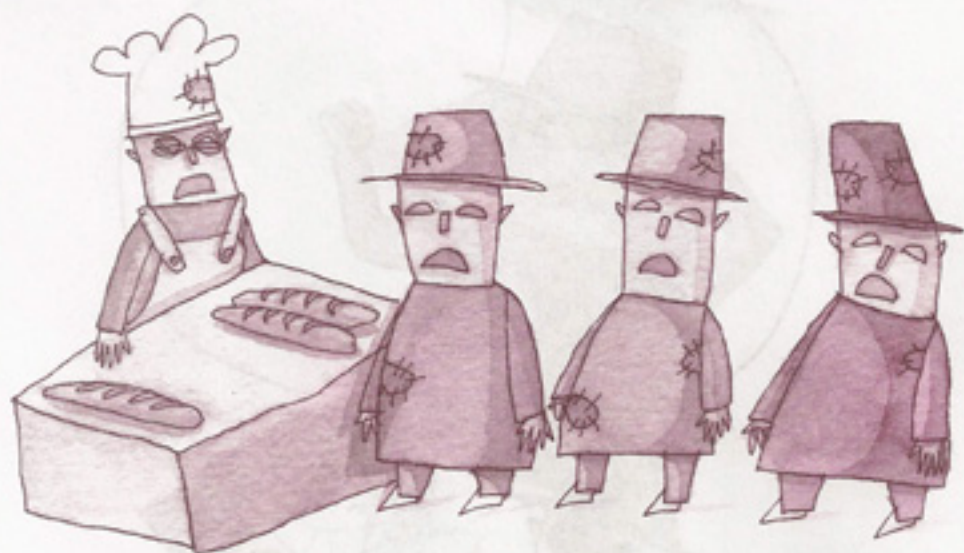
دیکتاتورهای دیگه هم ریاست کنه !

و برای همین میهمانی های

پر ریفت و پاشن ترتیب می ده .







وقتی مردم

فقیر و فقیرتر می شن و

شیره ی جوشون مکیده می شه

در صف نان و روغن

فکرشون به کار می افته .



و چون بالاخره فکر کردن ، خیلی از مسایل برای  
آن ها روشن می شه ،  
مثلاً این که دیکتاتور اون قدرها هم قدرتمند نیست .

مردم تازه می فهمند که دیکتاتور نه تنها  
چیزی سرش نمی شه ، از عدالت هم بو نبرده  
مقا می فهمن با وجودی که زندگی برای آن ها  
ظالمانه است ولی برای عده ی کمی از اطرافیان  
دیکتاتور که شاید به  
۱۰ فامیل هم نرسن  
راحت و ثوبه .



اینها در این کشور، در این زمانه...

اما مردم نمی‌تونن با او مخالفت کنن

چون او همه چیز داره :

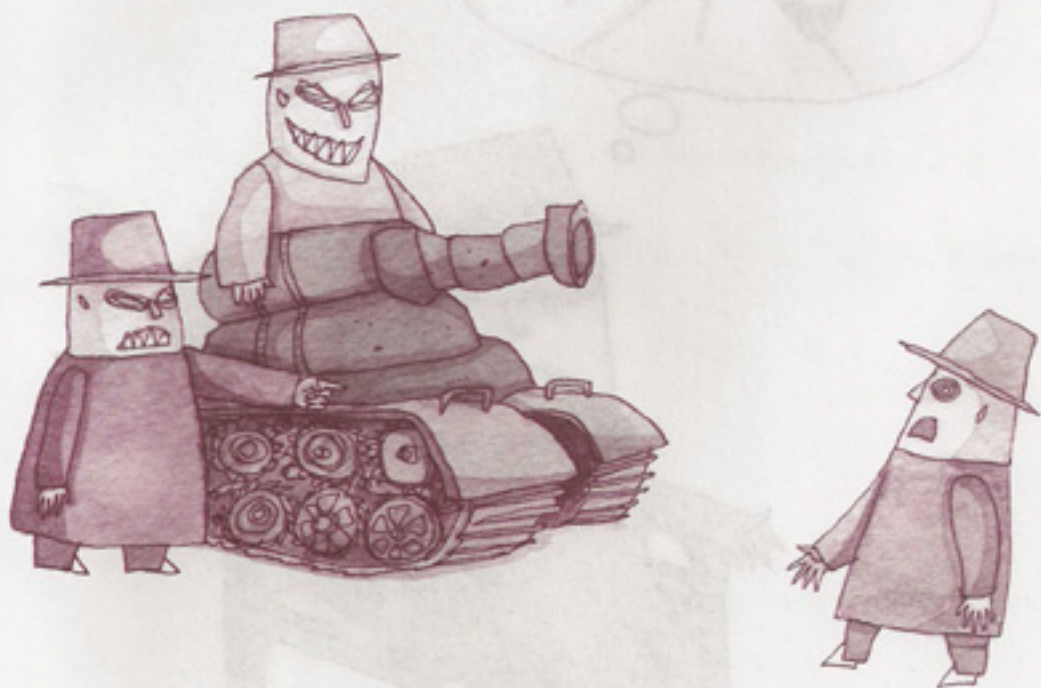
ثروت عمومی ،

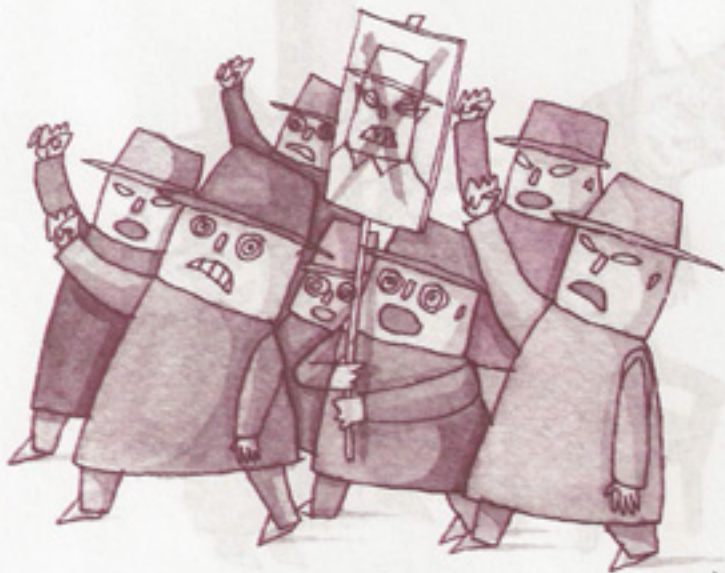
اسلحه ،

چماق‌داران

و حتا خود مردم را ، برای همین رژه ها

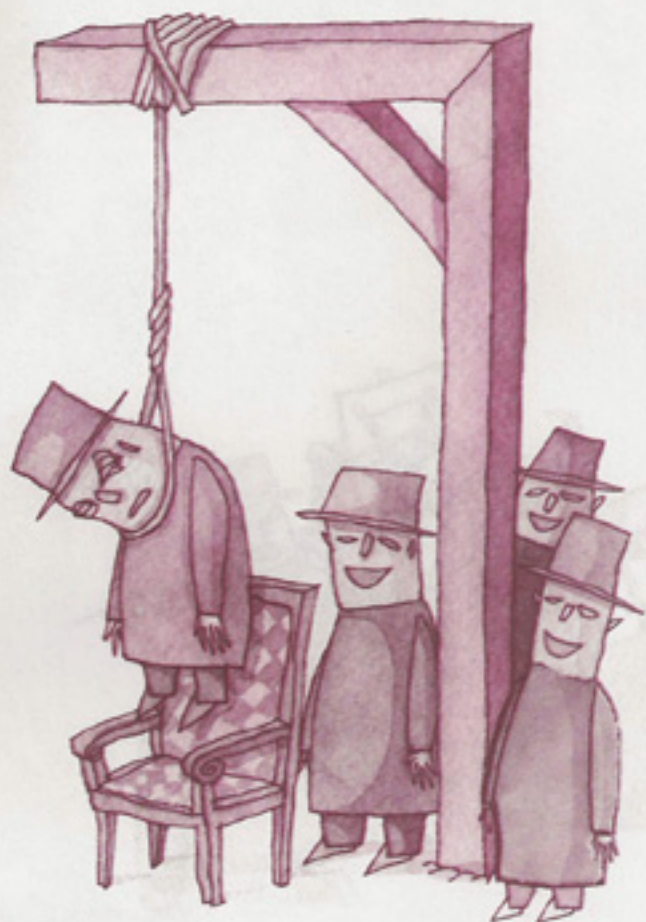
و سان های مرتب برقرار می کنه .





بعضی وقت ها

مردم همه با هم به راه می افتن  
و سعی می کنن که دیکتاتور را مجبور کنن  
که بساطشو جمع کنه و بره .



غم انگیزتر از همه این که عمر دیکتاتور خیلی  
هم طولانیه و مردم فقط باید منتظر عزرائیل باشن تا  
اون جان دیکتاتور را بگیره .  
البته گاهی مردم منتظر عزرائیل نمی شن !

# Who is Dictator ?!



By:  
Roozbeh Farahani pour

Illustrator:  
Davoud A. Mounes (Arvin)



نشر مرسا